



یقین داشت که  
انقلاب شکست  
نمی خورد و به راه  
خودش ادامه  
خواهد داد.  
اتفاقات ریزو  
درشت و موانع  
انقلاب را هم  
ابزارهایی برای  
امتحان انسان ها  
می دانست تا  
مشخص شود  
عیارشان چقدر  
است.



بالاخره یک مورد واقعی هم پیش می آید: زن نزدیک لحظات زایمانش است و هیچ پزشکی تا کیلومترها در دسترس نیست. حالا فرمانده لشکر زینیون با یکی دو نفر از نیروهایش نه تنها باید خطر تله بودن خانه را به جان بخرند بلکه در بهترین حالت، نقش پزشک ماما را هم برای زنی ایفا کنند که بدون شک نوزاد یک داعشی را به دنیا خواهد آورد. واقعا معلوم نیست حتی در صورت موفقیت در زنده نگه داشتن مادر و نوزاد از جهت انسانی، تصمیمی معقول گرفته باشید! با توجه به عملکرد دستگاه آموزشی داعش، همین نوزاد فقط هفت سال لازم دارد تا تبدیل به یک نیروی موثر برای قتل انسان های بی گناه بشود. شاید اصلا خیلی قبل تر از اینجا، دست در دست مادر یا پدرش، جایی نزدیک نیروهای ما منفجر شود. اما رزمنده زینی که در کودکی در کنار مادر قابله اش در پاکستان، نحوه به دنیا آوردن نوزاد را دیده، بچه را به دنیا می آورد و فرمانده اش هم با دستان خودش، بند ناف او را می بُرد. همه اینها می توانست یک خطای فاحش فرماندهی باشد! تصمیم گرفتن سخت است؛ آن هم تصمیمی که یک سمتش، تلاش برای زمین نگذاشتن دستور حاج قاسم و بلند کردن پرچم اسلام خمینی باشد و سمت دیگرش، جان نیروهایت. برای همین وقتی فرماندهی کنار مزار دوستان شهیدش نشست است به درد دل و ناگهان زنی، دست دخترش را بگیرد و با خشم به سمت



زنی با شکم برآمده، ضجه زنان و فریادکنان، دست به کمر گرفته و به ایست بازرسی نزدیک می شود. در موقعیت عادی، او حتما باردار است و هر انسانی خود را موظف به کمک به او می داند. اینجا هم رزمنده ها آرام آرام دورش جمع می شوند، زن با ناله درخواست می کند تا فرمانده نیروها هم نزدیک بیاید. هنر انتحاری این است که تا جای ممکن، افراد بیشتر و مهم تری را کشته بگیرد.

بعد شاسی را فشار می دهد و... همین یک قلم، چهار نیروی فاطمیون، دو نیرو از زینیون و یک ایرانی را شهید کرده است. حالا فکرش را بکنید یک زن و شوهر دست یک بچه را بگیرند و به نیروها نزدیک شوند. دیگر چیز مشکوکی هم زیر چادر زن پنهان نیست که تردیدآمیز باشد.

واقعا یک کودک دارد نزدیک می شود و جز خواست خدا نیست که شاسی انفجاری در دست زن عمل نمی کند. موقعیت به همین سختی است. اصلا چطور باید تشخیص داد؟ اما اسلام خمینی، همانی که نمی گذارد در اوج گرسنگی در وضعیت جنگی به اموال مردم هرچند که احتمالا در بیعت داعش باشند، دست بزنی، همان هم بر نمی تابد که به فریادهای مردی بی پناه که از درد زایمان همسرش می گوید و با التماس کمک می خواهد، بی تفاوت باشی، حتی اگر بارها و بارها، بازی زن باردار انتحاری پیش چشمش تکرار شده باشد.